

جشنواره بین المللی «سینما حقیقت» به ایستگاه دوازدهم رسید

# جشنواره حقیقت، میزبان واقعیت!



یکی از نقدهایی که به برخی مستندسازان به ویژه در حوزه های سیاسی وارد می کردند این بود که این فیلمسازان به بهانه نقد نهادهای دولتی، از جریان اصلی سینما دور افتادند و عرصه رقابت شان در محافل شخصی شده خودشان است اما امسال در جشنواره سینما حقیقت شاهد آثاری از همین جریان نوپا هستیم که در سال های اخیر در حوزه های مختلف مستندسازی ورود کرده اند

متوجه خواهید شد که یک جریان فعال و نوپا به حوزه مستندسازی کشور ورود کرده است، جریانی که مخاطب خود را می شناسد و با ورود جسورانه به حوزه های نزدیک به دنیای امروز آدم ها، تصویری نزدیک به واقعیت را مقابل دیدگان مخاطب قرار می دهد. بخشی از این جریان نوپا که در سال های اخیر به یک بالندگی در حوزه مستندسازی رسیده و امسال در جشنواره حضور جدی داشته است، مستندسازی هستند که سال ها تا هم عزت نشینی از جریان اصلی سینمای کشور را به دوش کشیده اند. یکی از نقدهایی که به برخی مستندسازان به ویژه در حوزه های سیاسی وارد می کردند این بود که این فیلمسازان به بهانه نقد نهادهای دولتی، از جریان اصلی سینما دور افتادند و عرصه رقابت شان در محافل شخصی شده خودشان است. اما امسال در جشنواره سینما حقیقت شاهد آثاری از همین جریان نوپا هستیم که در سال های اخیر در حوزه های مختلف مستندسازی ورود کرده اند. یکی از فیلم هایی که با استقبال بسیار روبه رو شد، مستند «میدان جوانان سابق» ساخته مینا اکبری بود.

اکبری به واسطه تجربه در حوزه روزنامه نگاری مورد شناخت بسیاری از اهالی رسانه و هنرمندان بود و چهره های زیادی هم برای دیدن فیلم او به چارسو آمده بودند. افرادی از طیف های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و البته هنرمندان که در میان آن ها، رخشان بنی اعتماد، فرشته طائر پور، رضا کیانیان و غزل شاکری هم دیده می شدند. فیلمی که مینا اکبری آن را به احمد رضا دلوند، گرافیکست تازه در گذشته که در فیلم او هم حضور داشته تقدیم کرد و در پایان پنج دقیقه تشویق ایستاده

گردوه فرهنگ و هنر همانند هر عرصه بدیع و نو ظهور دیگر در مسیر تجربه گریایی و با مقصد رسیدن به کمال، سینمای مستند و نگاه رواج یافته نسبت به آن، در کشور ما همچنان با چارچوب های متداول و تا حدی تثبیت شده همراه است که گذر از آن ها نه محال که دست کم، راحت نیست.

مباحث عجیبی که این عرصه طی یکی، دو سال پیش از سر گذرانده همچون رفتاری که در فیلم «تهران انار ندارد» با مصاحبه شوندگانش در گرفت که به جای استفاده از کلام خود آن ها در مصاحبه ها، حرف های شان را با لحن مطلوب خود در گفتار متن باز می گفت و در عوض، تصاویر ثابت و صامتی از آن ها بازست های پیش یا پس از مصاحبه نشان می داد، با جدل هایی که همواره در میان مستندسازان حاضر در یک جشنواره داخلی بر سر مستند بودن یا نبودن فیلمی که عناصرش چیدمان شده در می گیرد از جمله در جشنواره مستند کیش در مورد فیلم همسران حاج عباس محسن عبدالوهاب، تنها نمونه های در دسترس هستند که کیلومتر ها فاصله را برای رسیدن به افق های لایتناهی تجربه گری در عرصه مستند نشان می دهند. جشنواره سینما حقیقت برخلاف جشنواره های قدیمی تر و مشهورتر این حوالی، عنوان «بین المللی» را تنها با خود یک نم کشد و می گوشت تصویری واقعی و همه جانبه از پدیده ها و جریان های مهم روز حیطه اختصاصی خود یعنی مستندسازی در جهان ارائه دهد و گواهی فیلم های حاضر در آن است که در ادامه خواهد آمد.

**چارسو در هیاهوی جشنواره دوازدهم**  
امسال برای سومین سال پیاپی پردیس سینمایی چارسو، به مدت یک هفته محفل علاقه مندان سینمای مستند است. دوازدهمین دوره جشنواره سینما حقیقت در روزهای ۱۸ تا ۲۵ آذر ۹۷، با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» که از فرمایشات حضرت علی (ع) است و با عرضه ۶۳۴ فیلم در دو بخش ملی و بین المللی و به دبیری سید محمد مهدی طباطبایی نژاد در حال برگزاری است. پیش از شروع نمایش مستندها در پردیس سینمایی چارسو، با حضور و وجود داشت که به دلیل حضور کم رنگ آثار مستندسازان بنام در بخش ملی جشنواره، استقبال مردم نسبت به دوره گذشته کمتر باشد اما وقتی به سالن های شلوغ سینمایی پردیس سر می زنید و با مخاطبانی مواجه می شوید که گاهی تا انتهای نمایش در سالن نشسته اند،

امسال ۷۰ فیلم در بخش مسابقه ملی جشنواره سینما حقیقت حضور دارند و با نگاهی به جدول اکران این آثار می بینیم که تنوع در پرداخت به سوزها یکی از ویژگی های مهم این دوره از جشنواره سینما حقیقت بوده است و شاهد حضور آثاری هستیم که از زاویه نگاه های مختلف به مسائل ورود کرده اند. آثاری که حاوی نقدهای اجتماعی جدی هستند

پردیس چارسو و با عنوان مسابقه ملی، مسابقه بین الملل، کارگاه تخصصی نمایش های ویژه، خارج از مسابقه، پرتره، چشم انداز سینمای مستند کشورهای آلمانی زبان، مستندهای انقلاب اسلامی، فیلم های مستند معدن و صنایع معدنی ایران، جایزه شهید آوینی و آیینیه یک جشنواره: جشنواره مستند تسلاونیک یونان به نمایش گذاشته می شوند.

**تنوع سوزها و زاویه دید متفاوت**  
امسال ۷۰ فیلم در بخش مسابقه ملی جشنواره سینما حقیقت حضور دارند و با نگاهی به جدول اکران این آثار می بینیم که تنوع در پرداخت به سوزها یکی از ویژگی های مهم این دوره از جشنواره سینما حقیقت بوده است و شاهد حضور آثاری هستیم که از زاویه نگاه های مختلف به مسائل ورود کرده اند. آثاری که حاوی نقدهای اجتماعی جدی هستند. با وجود این، فضای رسانه ای به بر جسته سازی آثاری علاقه مند است که به حواشی سیاسی و ژورنالیستی پرداخته و با کمک تصاویر آرشیوی تولید شده اند. در انتها باید افزود که سینمای مستند روندی است پر تلاش برای نشان دادن هر چه بیشتر بخشی از جهان برای یک بخش دیگر از جهان جهانی با زاویه دید مستند ساز که با نگاه به آن، می بیند، می پردازد و خلق می کند و در نقطه ای دیگر، جهانی را در ذهن مخاطبان اثرش می پروراند این جشنواره طی سال های اخیر و به اقتضای رشد مستند سازی که هر روز به این عرصه ورود می کنند، روز به روز بر اهمیت تر شده و از وجهی دیگر، جدی ترین عرصه برای رقابت و نهایتا بالندگی فضای مستندسازی در کشور شده است که امید است این روند مستمر بوده و شاهد ادامه رشد این جشنواره هستیم. بهای جشنواره های دیگر داخلی چون جشنور باشیم، البته به دور از تمام حواشی آن!

حتی در بعضی سالن ها به ویژه در سالن های شب، گروه گروه تماشاگرانی دیده می شدند که روی پله های کناری و زمین نشسته و محو تماشای فیلمها بودند. بماند که عده ای هم در این شلوغی، موفق به تماشای فیلم هانشدند که البته گردانندگان این دوره از جشنواره برای این مشکل نیز چاره ای اندیشیده اند. به این صورت که در سالن ۱۰ تا ۱۲ شب، پر برای ترین و پر طرفدارترین فیلم روز را با بخش می کنند. همچنین فیلم ها در ۶ سالن سینمایی

یک فصل از زندگی آیت... مصباح یزدی بود و همچنین به فیلم های «پدر طالقانی» به کارگردانی محمد علی محمد دوست، «بهارستان خانه ملت» به کارگردانی بابک بهداد و... اشاره کرد. به طور کلی در این دوره نه تنها مستند های خارجی با استقبال چند برابری نسبت به سال های قبل روبه رو شدند بلکه فیلم های ایرانی هم به اندازه ای مورد استقبال قرار گرفتند که بسیاری برای دیدن فیلمها مجبور شدند در فضای خالی سالن ها بایستند.

حاضران در سالن را در پی داشت البته فیلم های قدیمی این جشنواره تاکنون کم نبودند؛ کامران جاهدی کارگردان «سسی یار» فیلمش را به رحیم ذبیحی، مستند ساز به قتل رسیده و زینب تبریزی کارگردان «تمام چیزهایی که جایشان خالی است» فیلمش را به میناز علیمردانی، یکی از زنان حاضر در فیلم تقدیم کرد. میان فیلم های مستند سیاسی که احتمالاً پرچم نیز خواهد بود می توان به فیلم های «آن زمستان» ساخته احمد شریف زاده که درباره

نیم نگاه

به بهانه برگزاری نشست انجمن ایران شناسی دانشگاه تهران درباره کتاب «ما و جهان اساطیری» و کاوی شد

## جدال خیر و شر در ما و جهان اساطیری

محمود جعفری دهقی

در باب این اثر می توان گفت: حجم کار ظاهر کم، اما محتوا بسیار وسیع و گسترده است. می توان این اثر را مانیفست مهر داد بهار نامید. تمام پژوهش های بهار و مسائل مطرح شده در آثارش در این مصاحبه به خوبی و روشنی بیان شده است. حیرت آور است که سوال های گلشیری صرفاً قالب یک متخصص ادبیات نیست، بلکه نشان می دهد ایشان در زمینه اسطوره شناسی و تحول تاریخی اساطیر ایران نیز صاحب نظر بوده اند

**تلاش من این بود که صدای بهار و گلشیری را بشنوم.** یاد می آید رضا دانشور در پیاده کردن گفت و گو مفصل خود با کامران در بینا کین چنین تلاشی داشت اما شکسته نوشته بود. من به تاثیر از بهار و گلشیری تصمیم گرفتم شکسته ننویسم زیرا با تغییر در نحو می توان توهم زبان محاوره را ایجاد کرد. بهار و گلشیری هر دو جدا از تخصص های دیگر شان تسلط زیادی به زبان دارند



حانیه دری

۱۳ آذر ۹۷ به کوشش انجمن ایران شناسی دانشگاه تهران در دانشکده ادبیات، نشستی با حضور گردآورنده کتاب ما و جهان اساطیری باربد گلشیری، محمود جعفری دهقی و سید حسین مجتهدی پیرامون چاپ این کتاب و بررسی مسائل مطرح شده در آن برگزار شد. ابتدای همایش، محمدعلی عزت زاده شده به عنوان دبیر نشست به معرفی مختصری از مهر داد بهار و هوشنگ گلشیری پرداخت. او در مورد مهر داد بهار گفت: ایشان از کودکی به ادبیات علاقه داشتند، وارد دانشکده ادبیات شدند و بعدها به دلیل فعالیت های سیاسی، دانشکده را ترک کردند.

رویکرد دشان پس از بازگشت به دانشگاه به سمت اساطیر ایران، تغییر پیدا کرد. در زمینه زبان های ایرانی میانه تخصص پیدا کرده و بعدها در دانشگاه تهران درس اساطیر ایران را بنا نهادند خودشان هم تدریس کردند. خیلی از متون پهلوی با نظارت ایشان با توسط خودشان ترجمه و چاپ شد. آثار ایشان به جز واژه نامه زبان های باستانی، همه در زمینه اساطیر ایران است. طرف دیگر گفت و گو جناب گلشیری هستند که همه ما ایشان را با اولین رمان شان یعنی «شازده احتجاب» می شناسیم که یکی از بهترین آثار ادبیات داستانی معاصر ایران است. ایشان در رشته ادبیات دانشگاه اصفهان تحصیل کرده و کار ادبی را با جمع آوری فولکلور مناطق اطراف اصفهان شروع و حلقه ادبی جنگ اصفهان را تاسیس کردند. پیش از انقلاب در پیام نوین، کیهان هفته و فردوسی و بعد از انقلاب در آدینه، دنیای سخن، زنده رود و ماهنامه ادبی کارنامه فعالیت داشتند. بخشی از کتاب ما و جهان اساطیری پیش از این در ماهنامه زنده رود به چاپ رسیده است. این کتاب پیاده سازی گفت و گو ای دو استاد توسط باربد گلشیری است.

**گلشیری از جمع آوری گفت و گو و دغدغه حفظ شخصیت آدم ها می گوید**

باربد گلشیری در زمینه نقد ادبی و هنری فعال و کتابی را با عنوان «بازده نمایشنامه» اثر ساموئل بکت ترجمه کرده است. در زمینه هنر هم بر هنر دوره تیموری نیز تسلط دارد و پیش از همه عکاس و گورنگار و مجسمه سازی زبردست است. او درباره ماجراهای این کتاب گفت: «همان طور که گفته شد بخشی از کتاب (فصل آخر) پیشتر در «زنده رود» به چاپ رسیده بود که متأسفانه به رغم پیگیری مسران من نوار ضبط شده مربوط به آن هرگز پیدا نشد. بنابراین به ناچار همان متن را تنها یک ویرایش فنی مختصر به چاپ رساندیم. تلخی داستان این جاست که تعداد زیادی سه نقطه در متن وجود دارد که ما نه نوار دسترسی داریم و نه کسی یادش هست که این سه نقطه ها چه بوده است.

از مختاریان که در جلسات حضور دارند هم سوال کردیم اما به یاد نداشتند. او ادامه داد: «در مورد شیوه پیاده کردن گفت و گو، علاوه بر آنچه در مقدمه توضیح داده ام باید بگویم: «تمام تلاش من این بود که صدای بهار و گلشیری را بشنوم. یاد می آید رضا دانشور در پیاده کردن گفت و گو مفصل خود با کامران در بینا کین چنین تلاشی داشت اما شکسته نوشته بود. من به تاثیر از بهار و گلشیری تصمیم گرفتم شکسته ننویسم

زیرا با تغییر در نحو می توان توهم زبان محاوره را ایجاد کرد. بهار و گلشیری هر دو جدا از تخصص های دیگر شان تسلط زیادی به زبان دارند». مورد بعدی که شیرینی خواندن اثر اربابشتر کرده و چون شخصیت گوینده را می سازد سعی در رعایت آن داشتم، وفاداری به تکیه کلام های شان است. برای مثال طی گفت و گو بهار به کرات می گوید: «توجه می کنی؟» یا گلشیری مرتب می گوید: «به حساب» تمام این ها به معنای دقیقی که دارند به کار نمی روند اما چون بخشی از شخصیت گوینده هاست تا جایی که به کار لطمه نزنند، آن ها را نگه داشتم.

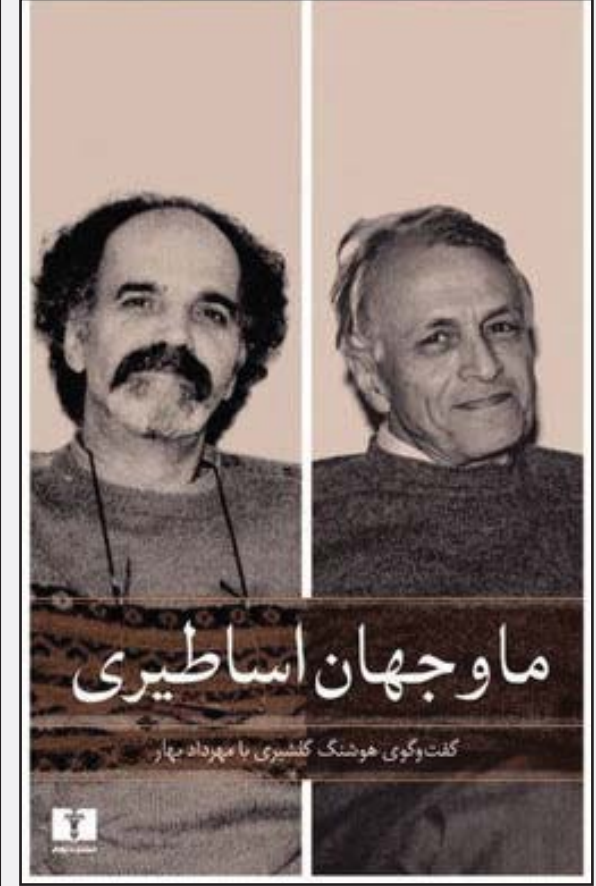
همین طور اسم صوتی که دلالت بر حالت نفسانی نویسنده دارد را نیاوردم. در جایی خواندم که رایج به کتاب گفته بودند: با این گفت و گو مثل سبند برخورد شده است. زیرا من مثلاً نوشته ام «زنگ در را می زند». اما دلیل چنین اتفاقی فقط وفادار بودن نیست دلایل دیگری هم دارد. می توان گفت در نمایشنامه گاهی دستور صحنه به کمک شخصیت و بازیگر می آید و دیالوگ او را می سازد. برای مثال در قسمتی از کتاب می خوانیم:

«گلشیری: آیا سرت نوشت ماست که همیشه شهودی بیندیشیم و باطنی بیندیشیم؟  
بهار: آیا واقعا از دایره سواد بنده مقدار زیادی خارج است. من فیلسوف نیستم یا متخصص مسائل تاریخی - اجتماعی نیستم که جواب بدهم، ولی کوشش می کنم که استنباط های خودم را بگویم ولی رویش تکیه نمی کنم و واقعا، می خواهید یک جایی بیاورم برای تان؟

گلشیری: اگر می خواهید.  
{ضبط اقطع می کنند}  
گلشیری: بفرا میدید  
بهار: آنچه ما به طور کلی... بگذارید من چراغ را...  
گلشیری: ما یک کم این لای در را باز کردیم.  
بهار: برای من هیچ اشکالی ندارد.  
گلشیری: کردیم دیگر.

زنگ در را می زند. نوار اقطع می کنند {  
گلشیری: آقا خیلی جای مهمی است ها.  
بهار: بنده یک چیزی سرهم می کنم.  
گلشیری: نه تو را به خدا. {بهار می خندد}  
بهار: من فکر می کنم که فرهنگ ما واقعا توانسته جهات بسیاری اش را در این دو، سه هزار سال ادامه بدهد و ادامه یافته از جهات متعددی. چیزی که خیلی به گمان من عمده است و این روزها گرفتاری بزرگی برای ماست این عدم توجه تاریخی است که ما پیوسته نشان داده ایم در این فرهنگ مان.

گلشیری: یعنی دید تاریخی داشتن.  
به نظر می رسد که در این قسمت از گفت و گو بهار وقت می خواسته تا جوابی در خور پرسشش پیدا کند. این دستور صحنه به کمک او آمده تا چنان پاسخ درخشانی را بیان کند. بنابراین به زعم من همین دستور صحنه ها به گفت و گو معنا داده است. این گفت و گو، گفت و گو هوشنگ گلشیری با مهر داد بهار است، نه گلشیری و مهر داد بهار. قصد گلشیری از این هم کلامی فهمیدن کنه کار بهار است. جایی از صحبت، بهار فردوسی را به مراتب برتر از نظامی می داند و داستان گوئی نظامی را رقی می کند. در این قسمت متناظر بودم گلشیری باسخی بدهد زیرا شیفتگی او به نظامی و به کسانی که کارهایش را مطالعه کرده اند)



گفت و گو هوشنگ گلشیری با مهر داد بهار

## ما و جهان اساطیری

پدیده خیر و شر اشاره می کند و اظهار می دارد که مساله خیر و شر خاص ایران و ایرانیان نیست، بلکه در ادیان پیش از آن هم وجود داشته است. در واقع اندیشه ایرانی را می توان حاصل برخورد عقاید ادیان مختلف دانست. این کتاب، مخاطب خود را به فکر فرو می برد. برای مثال درباره سقوط ساسانیان تا به امروز کتاب های زیادی نوشته شده است اما بهار دلیل آن را دو چیز می داند: ۱- تضاد ساختار اجتماعی با ساختار دینی و ۲- نزاع فرقه های دینی. در فصول بعدی ما و جهان اساطیری، حول محور تقدس گاو و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی صحبت شده است.  
در فرهنگ ایرانی و حتی آسیای غربی گاو محترم شمرده می شود. قربانی شدن آن را به دین مهری نیز نسبت می دهند. در آن دوره، انسان ها بعد از قربانی کردن گاو، دور خونش می رقصیدند و می توان احتمال داد که رقص سماع هم بازمانده ای از همین مراسم باشد. دهقی در ادامه کلام گفت: «گلشیری نقش مهمی در پیشبرد گفت و گو دارد او با سوال های هوشیارانه چنین پاسخ های درخشانی از بهار را می شود. ایشان درباره زمان شکل گیری حماسه اشاره کردند که حماسه به هزاره اول پیش از میلاد بازمی گردد. از آن زمان آغاز شده و به مرور تکامل پیدا کرده است. این کتاب را باید با دقت و به کمک دیگر آثار بهار خواند.»  
در پایان نشست سید حسین مجتهدی با دیدگاهی روان جامعه پژوهانه سراغ این اثر رفت. او اظهار داشت: «متن ما و جهان اساطیری صامت نیست، پویایی دارد و به دیدگاه فروید اسطوره نوعی باز نمود روان انسان دارد. همچنین درباره ازلی بودن اسطوره ها که در صفحات ابتدایی این کتاب بیان می شود می توان گفت اسطوره چون با ضمیر ناآگاه بشر در پیوند است پایان پذیر نیست، بنابراین اسطوره، ضمیر ناآگاه و ریا زمان زوده هستند.»  
دبیر نشست در انتهای همایش به نثر جذاب کتاب اشاره کرده و گفت: «این کتاب نوعی آشنی با اساطیر است و حتی برای کسانی که با اسطوره آشنایی کامل ندارند جذاب به نظر می رسد. همچنین سرخ هایی برای مطالعه بیشتر به خواننده خود می دهد زیرا هر دو طرف گفت و گو در سال های پختگی گرایش عجیبی به اساطیر ایرانی داشتند.»